

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال پنجم، شماره هفدهم، پاییز ۱۳۹۲

صفحات: ۶۴ - ۵۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۴/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۷

بررسی تاریخی نقش اسلام در تغییر سبک زندگی زنان

امین‌رضا توحیدی*

صادق شفیعی**

چکیده

مقاله حاضر به بررسی جایگاه زن در دیدگاه اسلامی و تشریح منزلت زن به صورتی عملی و آنچه اتفاق افتاده و نه آرمانی و خیال پردازانه است و در این راستا با تکیه بر آیات قرآن و مصادیقی از زنان برجسته مسلمان به این نتایج دست یافته است: قرآن کریم و پیامبر (ص) زنان را با حقوق خود آشنا ساخته اند و به آنان این جرات و جسارت داده شده که حق خود را به دست آورند و این عمل دقیقاً تکلیفی بود که خدای تعالی بر دوش پیامبر نهاده بود، حجاب، قوانین حقوقی، سلامت اخلاقی حضور زنان، بخشی از تلاش الهی است برای احیاء حقوق زنان که توسط دین مبین اسلام به منصفی ظهور رسیده و حاصل آن تحولی بی نظیر در مقام و سبک زندگی زنان بود.

کلید واژگان: زن، حقوق، پایگاه اجتماعی، اسلام، طبقات، جنسیت.

* عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان. (نویسنده مسئول: Tohidi@uk.ac.ir)

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه اصفهان.

از آنجا که مبحث پایگاه اجتماعی زن بیش از هر چیز در این مقاله مدنظر بوده است، همچنان که بحث روایی و نقل، در مرتبه ی نخست مورد توجه قرار نگرفته، با توجه به تاریخی بودن این نوشته منزلت اجتماعی زنان و نقش اسلام در تعالی آن مورد توجه قرار گرفته است و بررسی شده که اسلام از منظر قرآنی و اقدامات عملی پیشوای بزرگش محمد بن عبد... (ص) برای ارتقاء منزلت زن چه کرده است. همچنین تلاش شده بر اساس منابع کهن و پژوهشهای جدید که مورد اتقان و اتفاق نظر بیشتری نزد دانشمندان هستند جایگاه اسلام را در مقایسه با تمدنهای دیگر سنجیده شود. تبیین جایگاه زنان در سیره رسول اکرم (ص) و در معارف قرآنی و تاثیرات این فرایند بر سبک زندگی بانوان، بر اساس نگاهی تاریخی و البته در مقایسه با شواهدی از دیگر فرهنگ ها و تمدن ها، بی آنکه با آلودگی و غلو و گرافه گویی های رایج از ارزش سخن کاسته شود و با تکیه بر اسناد و متون قابل قبول مجامع علمی، محور اصلی پژوهش در این مقاله است.

پیشینه تاریخی

دوران باستان، وضعیت حقوقی و زندگی چندان محترمانه ای را برای زنان رقم نزده است. در یونان باستان حقوق سیاسی به کسانی داده می شد که به سنی رسیده باشند که بتوانند در پیاده نظام شرکت کنند و طبعاً آنها همه مرد بودند. (ارسطو^{۴۸}، ترجمه باستانی پاریزی، ۱۳۵۸: ۱۴) در آتن زن حقوق سیاسی نداشت؛ یعنی اجازه ی شرکت در مجامع و بدتر از آن احراز مسؤلیت اجتماعی نداشت. محروم از حق مالکیت بود، نمی توانست کسب قانونی داشته باشد، هر زنی از لحظه ی تولد تا هنگام مرگ، می بایست در زیر بار به اصطلاح سرپرستی نزدیک ترین خویشاوند مرد خود یا شوهر خود بماند، و از این طریق می توانست از حمایت قانون برخوردار شود. (کیتو^{۴۹}، ترجمه عاقلی، ۱۳۷۰: ۳۵۸)

در دیگر مناطق وضعیت از این هم بدتر بوده است. در ایران باستانی هیچ نشانه ای از حضور قابل توجه زنان در امور اجتماعی قابل مشاهده نبود. موانع اجتماعی بسیاری در راه ترقی زنان وجود داشت که گاه عکس العمل شدید طبقات تحت ستم در برابر قدرت فائقه را در برداشت. قیام مزدک از این نمونه قابل ذکر است. مزدک عقیده داشت: دارایی غنی باید به فقیر داده شود، و منظور از دارایی، هم اشیاء مادی و هم زنان بوده است. (گیرشمن^{۵۰}، ترجمه معین ۱۳۶۶: ۳۶۳) تعلیم و تربیت عموماً مردانه بوده است و زنان بیشتر در زمینه ی خانه داری

⁴⁸. Aristote

⁴⁹. Kitto

⁵⁰. Ghirshman

آموزشهایی دیده‌اند. (کریستن سن^{۵۱}، ترجمه یاسمی ۱۳۶۸: ۵۴۸). اصل تعدد زوجات اساس تشکیل خانواده به شمار می‌رفت. در عمل عده زنانی که مرد می‌توانست داشته باشد، به نسبت استطاعت او بود. زنهای او به اسامی زن سوگلی (زن پادشاهیها)، زن خدمتکار (زنی چگاری ها)، زن کنیز و اسیر (چاکر زن) شناخته می‌شدند. زوجه‌هایی که عنوان چاکر زن داشته‌اند، فقط اولاد ذکور آنان در خانواده پدری پذیرفته می‌شده است. مردان مجاز بودند با مادر و دختر و خواهر خود مزاجت کنند. این نوع ازدواج را خویدوگس می‌خواندند ازدواج با اقارب به هیچ وجه زنا محسوب نمی‌شده، بلکه عمل ثوابی بوده، که از لحاظ دینی اجری عظیم داشته است. محتمل است که قول هیون تسیانگ چینی در اوایل قرن هفتم میلادی. که گوید ازدواج ایرانیان عصر او بسیار آشفته است ناظر به همین رسم باشد. (کریستن سن، ترجمه یاسمی، ۱۳۶۸: ص ۴۳۳-۴۳۵). لازم به یادآوری است مطالبی که بیان شد نشان دهنده وضعیت زنان تمامی طبقات جامعه ایران آن روز نمی‌باشد. به قول مرحوم رشید یاسمی در پاورقی کتاب کریستن سن، آنچه که مورد توجه نویسنده دانمارکی بوده بیشتر شامل تعالیم زند اوستا می‌باشد که حداقل در دوره هخامنشی رایج بوده و در دوره ساسانی هم عموم مردم به آن پایبند نبودند. اکنون هموطنان زرتشتیان از این آفت‌ها بری هستند.

قرون وسطی، دوران رنسانس، قرون معاصر:

دوران قرون وسطی و سیطره‌ی اندیشه‌های حکمای مسیحی بر اروپا وضع ناهنجاری را برای زنان به همراه داشت، مارسیلیوس از اندیشمندان مسیحی مورد تأیید کلیسا، زن و برده را در یک مرتبه قرار می‌دهد و می‌گوید: برده‌ها، مهاجرین و زنان نباید حق دخالت در سیاست را داشته باشند. (لیدمان^{۵۲}، ترجمه مقدم، ۱۳۷۹: ۱۷۰)

در دوران رنسانس، زنان همچنان از حقوق اولیه خود محروم بودند و نگاه به آنها به عنوان شهروندان درجه‌ی دوم حتی در متون ادبی و رمان‌ها قابل مشاهده بود. در قرن نوزدهم و برای اولین بار زنان در اروپا به تحصیلات دانشگاهی و انجام خدماتی که تا آن موقع مخصوص مردها بود پرداختند، از طرف دیگر از سال ۱۸۶۲، در سوئد، حق رأی به آنها داده شد و سپس در اتازونی (ایالات متحده آمریکا)، نروژ، استرالیا زلاند جدید نیز زنان از این حق برخوردار گشتند (دولاندلن^{۵۳}، ترجمه بهمنش، ۱۳۷۰: ۳۷۳).

دوران جاهلیت عرب:

⁵¹. Christensen

⁵². Liedman

⁵³. De.Landelyn

نگاه عرب به زن ناشی از وضعیت خاص اجتماعی و واقعیت‌های فرهنگی و اقتصادی ناشی از اوضاع ناهنجار زمانه بوده است. آنها هنوز در مرحله‌ی تشکیل دولت قرار نداشته‌اند. آنچه که از آن به عنوان نوعی قانون و مقررات بتوان یاد کرد، چیزی نبود جز مشت‌ی از رسوم و خرافات قبیله‌ای که گاه می‌توانست تا حدی خشونت ناشی از فقر و پدیده‌هایی از آن دست را مهار کند (فیاض، ۱۳۶۹، ۷).

خشونت و قدرت که ناشی از تعداد نفرات رزمندی هر قبیله بود شرط اصلی امنیت و آسایش در آن قبایل به شمار می‌آمد. لازم به ذکر است در بین طبقات اشرافی که عامل گرسنگی و فقر نمود کمتری داشت، شاهد ظهور زنان برجسته‌ای بوده است، که اسامی تعدادی پادشاه زن در برخی نواحی جزیره‌العرب مثل زبیه، تیتعه، تلخونو و زنبویا دلیلی بر این مدعاست. (فیاض، ۱۳۶۹، ۲۹، ۳۵) و نیز وجود مقدس حضرت خدیجه (س) به عنوان نخستین کسی که مسلمان شد و از متنفذین جامعه خود به شمار می‌آمد. در مورد او گفته‌اند: خدیجه دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی ابن قصی، زنی بازرگان بود و شرف و مال داشت و مردان را در مال خویش به کار می‌گرفت و قرار می‌نهاد که چیزی از سود آن برگیرند. (طبری، ترجمه پاینده ۱۳۶۲: ۸۳۲) این زنان برجسته شامل تعدادی کاهنه‌ها که در واقع نفوذ کلام زیادی داشتند هم می‌شد. از جمله زنی از اهل حجاز که گفته‌اند کاهنه بود و سخن آن زن نزد عرب همچون سخن قرآن بود نزد ما که مسلمانیم (ابن هشام، ترجمه همدانی ۱۳۷۷: ۱۳۶).

دوران اسلامی و تلاش برای جایگاه زنان:

نگاه دین مبین اسلام به زن از همان آغاز توأم با تکریم و احیای ارزشهای فرو خفته‌ی ایشان بوده است.

اسلام دعوت خود را نه با زن محوری و مردمحوری و زرمرداری و زورمداری و نه حتی با بسیاری از آنچه که در نزد بسیاری کرامت بسیار دارد، مثل نخبه‌پروری و ... آغاز نمود. اسلام دین بود و نقطه‌ی آغاز کار خود را بر مبنای تسلیم به ذات حق و پاسداشت کرامت انسانی که هسته‌ی آن چیزی جز عبودیت و بندگی پروردگار نیست قرار داد. آیه ۳۵ از سوره مبارکه احزاب و با توصیف اوصاف زنان و مردان پرهیزکار دقیقاً بیانگر این مفهوم و نفی جنسیت در مسئله عبودیت در پیشگاه الهی می‌باشند که مفسران قرآن پیرامون این آیه و دیگر آیات از این دست تفاسیر ارزشمندی ارائه نموده‌اند که مطالعه آنها توصیه می‌شود.

شرط تکامل و تعالی در این مکتب رهایی‌بخش همانا عزت و آزادگی است که از راه بندگی محض خداوند به دست می‌آید. از این رو در مقام نفس بین انسانها اعم از زن و مرد هیچ تفاوتی وجود ندارد. چنانکه در باب صحیفه حضرت فاطمه (س) که در وصیت‌نامه‌ی

حضرت امام خمینی (ره) هم به آن اشاره شده است، گفته‌اند مطالب آن توسط فرشته‌ای (بقول جبرئیل) بر حضرت زهرا (س) نازل شده است. (شفیعی مازندارنی، ۱۳۸۳: ۲۶)

دین مبین اسلام و قرآن کریم از همان ابتدا و به عنوان هدفی اساسی احیای جایگاه زن و احیای مبانی حقوق پایمال شده این جماعت مهم را مد نظر قرار داده است. به همین دلیل با طلوع نخستین اشعه‌های خورشید نورانی اسلام شاهد به منصفی ظهور رسیدن بسیاری از قابلیت‌های ایشان در عرصه جهاد عظیم گسترش فرهنگ تسلیم به ذات حق (اسلام) توسط زنان بسیاری هستیم. کمترین تعداد برای صحابی رسول خدا از زنان ۱۰۲۲ نفر می باشد که در کتب معتبر رجالی به آن اشاره شده است، لازم به یادآوری است منظور از صحابی تمامی معاصرین رسول خدا نیستند بلکه ناقلان حدیث و نام آوران عرصه های گوناگون را صحابی فرض نموده اند (نوری همدانی، ۱۳۸۴: ۲۱۵). اسلام کوشید تدریجاً و با بهره گیری از توانمندی‌های خود زنان این مشکلات و ناهنجاری‌های ناشی از آن را که شامل این طبقه شده بود از بین ببرد. حضرت خدیجه (س) نمونه‌ی بارز این جریان است. او نخستین زن مسلمان بود خدیجه زن خودساخته‌ای بود که تمام زندگی خود را به همراه جانش در راه اسلام قربانی کرد.

حضرت خدیجه (س) حتی در زمان جاهلیت با عناوینی چون طاهره و سیده قریش شناخته می‌شد. (پیشوایی، ۱۳۸۲: ۱۱۸) ازدواج با خدیجه بدون شک یکی از مراتب کمال رسول گرامی (ص) است و این خود نشان دهنده‌ی جنبه‌های خاص شخصیتی این بانوی بزرگ است. چرا که عامل تشکیل خانواده که خود یک عامل اخلاقی است - و این، یکی از علل تقدس ازدواج در اسلام است - عاملی است که جانشین نمی‌پذیرد. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۶۷)

پس از خدیجه (س) زنان بسیاری بودند که کثرت و تعدد اسامی ایشان آن هم در نخستین روزهای شکل‌گیری این آئین عظیم نشانی از تحول بزرگی در زندگی بانوان دارد از جمله سمیه همسر یاسر و مادر عمار. ابوجهل، سمیه را با نیزه‌ای که به پائین شکمش فرو برد، شهید کرد و سمیه اول کسی است که در اسلام به شهادت رسید. (یعقوبی، ترجمه آیتی ۱۳۷۴: ۳۸۴)

همچنین ام عبیس - زنی - نه‌دی و دخترش و کنیزکی از قبیله‌ی بنی عدی و... که همگی از همان نخستین سالها و حتی ماههای بعثت به اسلام گرویدند. سختی‌ها و شکنجه‌های روحی و جسمی و شماتهای قریش را تحمل کردند (ابن هشام، ترجمه همدانی، ۱۳۷۷: ۳۰۸). در کتاب ارزشمند الاصابه فی تمییز الصحابه تعداد ۱۵۵۲ نفر از صحابی رسول خدا بانوان بودند همین آمار در اثر ارزشمند دیگر یعنی الاستیعاب فی معرفه الصحابه نیز ذکر شده است همچنین در معارف شیعه و در کتاب معجم رجال آیت الله خویی تعداد ۱۳۴ نفر زن راوی حدیث از معصومین (ع) قابل مشاهده هستند نیز حکیمه خاتون عمه بزرگوار امام زمان (عج) علاوه بر نواب خاص آن حضرت حامل پیام‌ها و احادیث ایشان بوده اند. (نوری همدانی، ۱۳۸۴ ، ص ۲۱۵) دانشمند شهیر مصری احمد الجدع از علمای اهل سنت در کتاب اسوه‌های راستین

برای زن مسلمان شرح زندگانی ۳۹ نفر از این بانوان نام آور را شرح داده است (الجدع، ترجمه مرتضوی، ۱۳۸۳)

شیوه‌های قرآنی برای تکریم زنان:

از جنبه‌های تلاش حضرت محمد (ص) و دین مبین اسلام برای تکریم و پاس داشت حقوق زنان، تأکید بر شخصیت اجتماعی مستقل زن است که در آیات متعدد قرآن کریم به این مسئله توجه شده است. چنانکه آیات ۷۱ تا ۷۲ سوره مبارکه توبه که با عبارت «والمؤمنون و المؤمنات» آغاز شده و در آنها وظایفی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، پیا داشتن نماز و دادن زکات را برای ایشان بر شمرده و در نهایت بهشت را وعده‌ی چنین کسانی قرار داده، نمونه‌ای از این دسته آیات است.

در پذیرش بسیاری از مسئولیتهای اجتماعی و صحنه‌های خطیر تاریخ اسلام شاهد حضور زنان مسلمان بوده‌ایم. از جمله در ماجرای مهاجرت به حبشه بانوانی مثل رقیه دختر پیامبر (ص)، سهله دختر سهیل و... حضور داشته‌اند. (ابن اثیر، ترجمه روحانی ۱۳۷۰: ۸۹۶) در بازگشت از این سفر بود که یکی از زنان شرکت کننده در هجرت (احتمالاً اسماء همسر جعفر) از اجر و پاداش و مرتبه‌ی معنوی زن مسلمان از رسول گرامی (ص) سؤال نمود و آنگاه آیه‌ی ۳۵ سوره ی مبارکه احزاب نازل شد و بر یگانگی مراتب زن و مرد در پیشگاه الهی تأکید ورزید. (طبرسی، ترجمه کرمی ۱۳۸۰: ۴۸۲)

قرآن کریم حس احقاق حق و جرأت دادخواهی را در وجود زن تقویت نموده است چنانکه در آیات ۸ و ۹ سوره مبارکه‌ی تکویر در باب زنده به گور کردن دختران آورده است «و اذالمؤده سئلت بأی ذنب قتلت» و آن هنگام که دختران زنده به گور شده از خاک برآیند خواهند پرسید به کدامین گناه ما را کشتید. علامه‌ی طباطبائی در ذیل این آیه‌ی شریفه می نویسد: این هم نوعی تعریض و توییخی است از قاتل آن دختر و هم زمینه چینی است برای اینکه دختر جرأت کند و از خدای تعالی بخواهد که انتقام خون او را بگیرد و آنگاه خدای تعالی از قاتل او سبب قتل او را پرسد و سپس انتقامش را بگیرد. (طباطبائی، ترجمه موسوی همدانی ۱۳۸۷: ۳۵۱)

بیعت جلوه‌ی مشارکت سیاسی زنان:

اینکه امر پذیرش اسلام قبل از هجرت صرفاً از طریق ادای شهادتین عملی می‌شده یا اینکه بیعت هم معمول بوده از اموری است که در بین مورخان موجب مباحثاتی بوده و هست. اما بدون تردید یکی از جلوه‌های پر رنگ پدیده‌ی بیعت ماجرای پیمان عقبه است که در آن بیش از ۷۰ نفر از جمله دو زن ام‌عمارہ نسبه خزرچی و ام منیع اسماء دختر عمرو بن عدی

سلمی حضور داشته‌اند. و رسول گرامی امی بیعت ایشان را پذیرفت اما از آنجا که دست دادن با نامحرم حرمت شرعی دارد، همان‌قول را کافی دانست که این خود در آینده در مباحث حقوقی مبنای بسیاری از تصمیمات فقهای مسلمان قرار گرفته است و شاید بتوان آن را نخستین نشانه‌ی مشارکت سیاسی قاعده‌مند زنان در تاریخ بشر به شمار آورد.^{۵۴}

این جریان در آینده هم ادامه پیدا کرد. چنانکه در مدینه و پس از هجرت زنان بصورت دسته جمعی در حضور رسول گرامی (ص) حاضر شده و با ایشان بیعت نمودند. نخستین این زنان لیلی دختر حظیم بود که به همراه دو دخترش عمره و عمیره با حضرتش بیعت کرده‌اند. (ابن سعد، تحقیق محمد عبدالقادر، ۱۹۹۷: ۹۴)

جهاد صحنه‌ی احیای قابلیت‌های زن مسلمان:

تفاوت اساسی بین زنان مسلمان و کافر را در جنگ احد شاهدیم. فرق بین تربیت اسلامی و تربیت مشرکانه در احد نشان می‌دهد آموزه‌های اسلامی حاوی چه دستاوردهایی برای زنان مسلمان است. در صحنه‌ی احد ۱۴ زن از جمله فاطمه (س) و زینب کبری (س) وظایف تهیه خوراک برای رزمندگان و زخم‌بندی مجروحان را بر عهده داشته‌اند و ام‌ایمن پرستار روزگار کودکی حضرت محمد (ص) و وظیفه‌ای آب دادن به مجروحان را بر عهده داشت. (واقعی، ترجمه مهدوی دامغانی، ۱۳۶۶: ۱۷۵ و ۱۸۰) این حضور زنان به همین جا ختم نمی‌شود، گویند نسبه دختر کعب که مادر عماره و همسر عزیز بن عمرو است همراه شوهر خود و پسر خود در جنگ حاضر شد وی از آغاز روز مشک آبی برداشته مجروحان را آب می‌داده، سپس ناچار به جنگ پرداخت و متحمل زحمات بسیار شد، دوازده زخم برداشت که یا به ضرب شمشیر بود و یا نیزه و... رسول گرامی در مورد حضور نسبه در جنگ احد فرموده است: هر وقت به چپ و راست خود نگاه کردم، او را دیدم که بر گرد من می‌جنگد و از من دفاع می‌کند. (واقعی، ترجمه مهدوی دامغانی، ۱۳۶۶: ۱۹۴-۱۹۶)

بدون شک اسلام به نگاه تحقیرآمیز به زن به عنوان موجودی فاقد اراده و ارزش پایان داده است در این‌بین وضع قاعده‌ی خردمندانه حجاب و تأکید بر قداست و حرمت روابط زناشویی و لذت‌جویی‌های جنسی خود به یکی از مهمترین ظلم‌ها به زن یعنی عرصه‌ی بردگی جنسی خاتمه داده است. (راوندی، بی تا: ۴۹)

^{۵۴}. ابن سعد، طبقات الکبری، باب بایعت. همچنین برخی گفته‌اند علت آنکه بیعت عقبه‌ی نخست، بیعت‌النساء نامیده شد حضور زنی به نام عفرات دختر عبید بن ثعلبه در میان پیمان‌گذاران بود. (ر.ک. حسن ابراهیم حسن. ترجمه‌ی پاینده ۱۳۶۰، ص ۹۴).

حجاب، قوانین حقوقی، تضمین سلامت اخلاقی حضور زنان در جامعه و ... همه و همه بخشی از این تلاش الهی است که به مدد آیین محمدی (ص) برای احیای حقوق زنان توسط دین مبین اسلام به منصفی ظهور رسیده و حاصل آن تحولی بی نظیر در مقام و منزلت اجتماعی زنان است.

تلاشهای اسلام برای احیای جایگاه الهی، مصادیق و پیامدها :

پیامد همین نگاه محترمانه به زن و حقوق او بود که تحولی شگرف در وضعیت حیات اجتماعی زنان به وجود آورد. چنانکه محیط خانواده در تعاریف اسلامی به گونه‌ای تعریف شد که تمامی حقوق قبل و بعد از ازدواج برای زنان در نظر گرفته شود. ازدواج بدون رضایت زن عملاً مردود و محکوم به ابطال بوده است. ماجرای خنساء دختر حذام بن خالد انصاری که رسول خدا (ص) با توجه به عدم رضایت او در ازدواج، حتی عقد را باطل اعلام فرمود خود نشانه‌ای از این نگاه ویژه به حق زن است. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۲) در عرصه‌ی اجتماعی حضور زنان شاخص مسلمان باعث کم‌رنگ شدن عنصر جنسیت در تعیین پایگاه اجتماعی افراد شد. بی شک عبارات تمجید گونه‌ی حضرت محمد (ص) در مورد بزرگانی نظیر خدیجه (س)، زهرا (س) و ... علاوه بر بیان واقعیتی که در وجود ایشان نهفته بود، نوعی بستر سازی برای حاکمیت فرهنگی بود که نفی نگاه تحقیر آمیز نسبت به زنان اساس آن به شمار می‌رفت. این رویه خصوصاً توسط فرزندان و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به جد ادامه یافته است. امام حسن عسکری (ع) در بیان شخصیت حضرت زهرا (س) فرمود: حجه‌ آ... علی الخلق و فاطمه حجت ... علینا: ما حجت خدا بر خلق هستیم و فاطمه حجت خدا بر همه است.

این تفکر عدالتخواه کار را بجایی رساند که گروهی بزرگ از محدثان و دانشمندان زن در بین مسلمانان به وجود آمدند بدون آنکه جنسیت عامل تعیین کننده در مرتبه‌ی اجتماعی ایشان به شمار آید و نیز حاصل این نگاه عدالت محور در عباراتی از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری بعنوان یکی از بزرگترین متفکران اسلامی قابل مشاهده است آنجا که گوید: بل معنی حقیقت آن است که اینجا که این قوم هستند همه نیست توحیدند. در توحید، وجود من و ما کی ماند تا به مرد و زن چه رسد. (عطار نیشابوری. ۱۳۷۰: ۶۵)

در سطور گذشته در مورد آمار وسیع زنان برجسته عصر رسول خدا (ص) و برخی پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته توضیحاتی داده شد، لازم به یادآوری است هرچند این سیر درخشان در سراسر قرون بعدی تداوم نداشت با این وجود مسلمانان نسبت به تمدن‌های هم عصر خود در حوزه زنان حرف بیشتری برای گفتن داشتند چنانکه ابن ندیم نویسنده الفهرست باب مجزایی را به معرفی کتب نوشته شده به وسیله زنان اختصاص داد. حتی بعضی از زنان مسلمان به مدارج بالای حکومتی رسیدند از جمله سیده خانوم حاکم خردمند آل بویه

و مادر مجدالدوله (اقبال، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲) و نیز شجرالدور نخستین پادشاه دولت اول ممالیک مصر و رضیه الدین سلطان دهلی در هند (شبارو، ترجمه بختیاری، ۱۳۸۰، ص ۱۹). همچنین گفته شده است: اهل حدیث منعی در تعلیم کتابت و سواد زنان نمی دیده‌اند. دختر مالک ابن انس می‌توانست اشتباهات کسانی را که از کتاب موطا پدرش روایت می‌کردند اصلاح کند. بنت‌المرتضی دختر علم‌الهدی کتاب نهج‌البلاغه را از عم خویش سیدرضی روایت می‌کرد، گویند شیخ عبدالرحیم بغدادی نیز از وی روایت دارد و... (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۱۲۹)

تدریس زنان، الگو بودن زنان و... در بین مسلمانان امری شایع و پذیرفته بوده است، چنانکه در مقام رابعه عدویه (۱۳۵-۱۸۷ هـ.ق) گفته شده که او از شخصیت‌های مطرح در عرفان اسلامی است. (حلبی، ۱۳۶۵: ۲۹۷)

در سایر رشته‌های علوم نیز کثرت اسامی این بزرگان آن هم در اوج قرون وسطی در اروپا شگفت‌انگیز می‌نماید. (غنیمه، ترجمه کسایبی ۱۳۷۲: ۳۶۹)

نتیجه‌گیری

چنانچه مشاهده می‌شود در فرهنگ اسلامی موقعیت طبقاتی و اقتصادی و موقعیت خانوادگی افراد موجب تعالی و پیشرفت نبوده است. به این ترتیب ترقی اجتماعی فقط خاص گروهی که از موقعیت ممتاز اجتماعی برخوردارند نمی‌شد. دقت در احوال زنان مسلمان شاخص هم‌بیانگر کثرت ایشان (مصادیق آن در متن ذکر شد) از حیث تعداد است و هم‌بیانگر آن است که اغلب کمترین وابستگی به طبقات اشرافی و حکومتی نداشته‌اند. و این امتیاز اساسی اسلام در توجه به جایگاه اصیل زنان است یعنی زن به عنوان زن و نیمی از بدنهی جامعه مورد توجه بود نه به دلیل وابستگی‌های طبقاتی.

بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم و وقت رسول گرامی (ص) مصروف رفع مشکلات زنانی می‌شد که نیمی از بدنهی از هر جامعه‌ی انسانی را به خود اختصاص داده‌اند. این توجه نه چنانچه که در اوایل قرون جدید در غرب شاهدیم ناشی از مصالح مادی منفعت‌جویانی بود که بخواهند از نیروی کار ارزان زنان استفاده کنند و نه امری تبلیغاتی برای جلب نظر عده‌ای از مردم زیرا در شرایطی که اغلب مردمان چه زن و چه مرد با حقوق خدادادی خود آشنا نبودند و به دلیل همین جهل برای کسب حقوق خود تلاش هم نمی‌کردند، در واقع پیامبر اسلام (ص) و قرآن کریم بطوریکه متذکر شدیم راه دشوار آشنا کردن مردم و از جمله زنان با حقوق خود و جرأت بخشیدن به ایشان برای کسب حق را در پیش گرفتند به این ترتیب آنچه حضرت محمد (ص) به آن مبادرت ورزید دقیقاً عمل به تکلیفی بود که خدای تعالی بر دوش حضرت ختمی مرتبت (ص) نهاده بود. به طوری که مشاهده شد سیر روبه رشد ارتقاء جایگاه زنان در

جوامع اسلامی پس از رحلت آن بزرگوار به دلیل انحرافات‌ای که پیش آمد دچار نقصان گردید با این وجود هر جا تلالو انوار دین مبین اسلام درخشیدن گرفت باز هم مسلمانان صاحب افتخارات مثال زدنی شدند از جمله در زمینه های علمی و حاکمیتی که مصادیقی بیان گردید.

منابع

- قرآن کریم
-ابن اثیر، عزالدین الکامل، ترجمه محمدحسین روحانی (1370)، چاپ اول، انتشارات اساطیر، تهران.
- ابن سعد. طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر، 1997 م (دارالکتب العلمیه، بیروت).
-ارسطو. اصول حکومت آتن، ترجمه باستانی پاریزی، (1358)، چاپ دوم، خوارزمی، تهران.
-ابن هشام. سیرت رسول (ا) ...ص (، ترجمه ی اسحق بن محمد همدانی، (1377)، به کوشش اصغر مهدوی، چاپ سوم، خوارزمی، تهران.
- اقبال، عباس. (1370) تاریخ ایران، انتشارات خیام، چاپ ششم، تهران.
-الجدع، احمد. اسوه های راستین برای زن مسلمان، مترجم عبدالصمد مرتضوی، (1383)، احسان، تهران.
- پیشوایی، مهدی. (1382) تاریخ اسلام، چاپ اول، انتشارات معارف، قم.
-حلبی، علی اصغر. (1365) تاریخ تمدن اسلام، چاپ اول، انتشارات اساطیر، تهران.
-حسن، ابراهیم حسن. تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، (1360)، چاپ چهارم، جاویدان، تهران.
- دولاندلن. ش. تاریخ جهانی، ترجمه احمد بهمنش، (1370)، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی (بی تا). تاریخ تحولات اجتماعی، خوارزمی، تهران.
-زرین کوب، عبدالحسین. (1384) کارنامه اسلام، چاپ دهم، امیرکبیر، تهران.
-سرخسی، شمس الدین. المبسوط، ج 5. تحقیق جمع من الافاضل، (1406 هـ. ق)، دارالمعرفه، بیروت.
- شبارو، عصام محمد. دولت ممالیک، ترجمه شهلا بختیاری، (1380)، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.
- شفیعی مازندرانی، سیدمحمد (1383). رهنمودهای جاودانه چاپ اول، مرکز نشر هاجر، قم.
-طبری، محمدبن جریر. تاریخ ج 3، ترجمه ابوالقاسم پاینده، (1362)، چاپ دوم، انتشارات اساطیر، تهران.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان، ترجمه علی کرمی (1380) چاپ اول، سازمان انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
- طباطبایی، محمد حسین. المیزان، ج 20، ترجمه موسوی همدانی (1387) چاپ 26، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. تذکره الاولیاء، با مقدمه‌ی قزوینی و به کوشش نیکلسون (1370) چاپ اول، صفی‌علیشاه، تهران.
- غنیمه، عبدالرحیم. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورا... کسائی (1372) چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- فیاض، علی‌اکبر (1369). تاریخ اسلام، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران.
- کیتو. اچ. دی. اف. یونانیان، ترجمه سیامک عاقلی (1370) چاپ اول، نشر گفتار، تهران.
- کریستن‌سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی (1368) چاپ ششم، دنیای کتاب، تهران.
- گیرشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین (1366) چاپ ششم، علمی و فرهنگی، تهران.
- لیدمان، سوناریک. تاریخ عقاید سیاسی، ترجمه سعیدمقدم (1379) چاپ اول، نشر دانش ایران، تهران.
- مطهری، مرتضی. (1387) تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ شصت و یکم، صدرا، قم.
- نوری همدانی، حسین) آیت الله (1384). (جایگاه بانوان در اسلام، انتشارات مهدی موعود (عج) چاپ چهارم، قم.
- واقدی، محمد بن عمر. مغازی، ترجمه محمد مهدوی دامغانی (1366) چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب. تاریخ، ج 1، ترجمه محمد ابراهیم آیتی (1374) چاپ هفتم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.